

ادله ترجیح قرائت کسائی در «عرف بعضه» (تحریم / ۳) و نقش آن در ابهام‌زدایی از تفسیر آیات

حسین خوشدل مفرد^۱

دریافت: ۱۳۹۹ / ۴ / ۲۸، پذیرش: ۱۳۹۹ / ۶ / ۱۷، صفحه ۲۸۳ تا ۳۰۴ (مقاله پژوهشی)

چکیده

مفسران مسلمان، خاصه مفسران شیعی، همواره در معنا و سبب‌نزول آیات نخست سوره تحریم اختلاف داشته‌اند. بیش‌تر این اختلاف بر سر تفسیر بخشی از آیه ۳ یعنی عبارت «عَرَفَ بَعْضَهُ وَ أَعْرَضَ عَن بَعْضٍ» بوده است. روایات سبب‌نزول آیات نخست این سوره نیز به گونه‌ای نیست که این اختلاف را رفع کند. افزون بر تنوع این روایات و وجود نشانه‌های جعل و تحریف در بیش‌تر آن‌ها، هرگز عبارت فوق در هیچ کدام به‌روشنی تفسیر نشده است. در این مطالعه می‌خواهیم از این فرضیه دفاع کنیم که قرائت علی بن حمزه کسائی (د ۱۸۹ق) از این آیه که از استادش و قاری مشهور، ابوبکر شعبه بن عیاش (د ۱۹۳ق) روایتش کرده، راه‌گشای فهم و تفسیر این بخش از آیه است. این قرائت هم از نظر سندی، هم از نظر معنایی و تطابق با آیه بر قرائت رایج رجحان دارد. اختیار این قرائت ما را از ابهامات روایات سبب‌نزول می‌رهاند؛ روایاتی که گاه راز افشاده پیامبر (ص) را بشارت زمامداری ابوبکر و عمر، و گاه ولایت امام علی (ع) می‌شناسانند و به‌نظر می‌رسد همه در یک فضای تقابلی شکل گرفته‌اند. تأکید روایان این قرائت بر این که این قرائت همان قرائت امام علی (ع) است، می‌تواند حاکی از استناد آن به اهل بیت (ع) تلقی شود.

کلیدواژه‌ها: روایات اسباب‌النزول، سوره تحریم، قرائت کسائی.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران.

درآمد

یکی از مسائل مهم و اختلافی در تاریخ اسلام مسئله مطرح شده در آیات نخست سوره تحریم است که در آن از پیامبر اکرم (ص) درباره سبب تحریم حلالی از حلال‌های خداوند سؤال می‌شود: «یا ایها النبی! لم تحرم ما أحل الله لک تبتی مرضات أزواجک و الله غفور رحیم» (تحریم / ۱). در قرآن درباره موضوع حلال حرام شده و علت آن توضیحی داده نشده است. مفسران دیدگاه‌های مختلفی درباره آن ارائه کرده‌اند. در ادامه این آیات، قرآن بخشی از حقیقت را آشکار، و بیان می‌کند که پیامبر اکرم (ص) رازی را با یکی از همسرانش در میان گذاشت و او راز پیامبر (ص) را افشاء کرد.

بر پایه آیات بعد، خداوند پیامبرش را از این افشای راز آگاه می‌کند. پیامبر (ص) نیز، قسمتی از آن را برای همسرش باز می‌گوید، و از بیان قسمت دیگری خودداری می‌کند: «إذ أسر النبی إلى بعض أزواجه حدیثاً فلما نبأت به و أظهره الله علیه عرف بعضه و أعرض عن بعض فلما نبأها به قالت من أنبأک هذا قال نبأنی العلیم الخبیر» (تحریم / ۳). این که پیامبر اکرم (ص) چه مطلبی را برای همسرش بازگو کرد و از چه بخشی اعراض نمود (عرف بعضه و أعرض عن بعض)، و این که علت اعراض و بازگو نکردن پیامبر (ص) چه بود، از مسائل اختلافی در تفسیر این سوره است که همواره بحث درباره آن میان مفسران شیعه و عامه مسلمانان جریان داشته است.

طرح مسئله

مفسران برای آیات نخست سوره تحریم سبب‌نزول‌های متعددی بیان کرده‌اند. از این میان، دو روایت شهرت بیشتری دارد. بر پایه روایت نخست، پیامبر (ص) گاه که نزد همسرش زینب بنت جحش می‌رفت، زینب او را نگاه می‌داشت و از غسلی که تهیه کرده بود به او می‌نوشاند. این حکایت به گوش عائشه همسر دیگر پیامبر (ص) رسید و بر او گران آمد. بر پایه روایتی عائشه خود می‌گوید که با حفصه همسر دیگر پیامبر (ص) قرار گذاشتند هر وقت پیامبر (ص) نزد یکی از آن دو آمد فوراً از او بپرسند مگر صمغ مغافیر خورده است؛ کنایه از آن که دهانش بدبوی شده است. مغافیر صمغی است که از درخت عرفط تراوش می‌کرد؛ درختی که در حجاز فراوان بود و

صمغ آن بویی ناخوشایند داشت (نک: ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۷/۳۵۰). به‌هرروی، چون پیامبر (ص) نزد حفصه آمد و او به‌کنایه از بوی دهان پیامبر (ص) گفت، پیامبر (ص) فرمودند نه مغفیر، که عسلی نزد همسر دیگرشان زینب نوشیده‌اند. نیز، سوگند یاد کردند که دیگر از آن عسل ننوشند (بخاری، ۱۴۰۱ق، ۶/۱۹۴).

سبب‌نزول دیگری که روایت شده، آن است که پیامبر اکرم (ص) روزها را میان زنان خود قسمت کرده بود. ازقضا روزی که نوبت حفصه بود او برای رفتن پیش پدرش عمر بن خطاب از پیامبر (ص) اجازه خواست و پیامبر (ص) را در خانه خود تنها گذاشت. پیامبر (ص) نیز کنیز خود ماریه قبطیه را نزد خود خواند. چون حفصه بازگشت و باب حجره را بسته دید، همان‌جا نشست تا پیامبر (ص) خارج شوند. حفصه وقتی عرق پیشانی و چهره پیامبر (ص) را دید حکایت را دریافت، به‌گریه افتاد و گفت: «یا رسول الله! کنیزی به خانه من آوردی و با او خلوت نمودی و حرمت مرا نگاه‌نداشتی و با هیچ‌یک از دیگر زنان خود چنین نمودی».

پیامبر (ص) فرمود: این کنیز من است و خدا او را بر من مباح گردانیده؛ اما من برای رضای تو او را بر خود حرام کردم. در ادامه نیز پیامبر (ص) افزودند که این سخن سری است و حفصه باید آن را هم‌چون امانتی پیش خود نگاه دارد. حفصه پذیرفت؛ اما چون دوستی نزدیکی با عائشه داشت، راز پیامبر اکرم (ص) را نزد او افشاء کرد و به‌عائشه گفت که پیامبر (ص) ماریه را بر خود حرام گردانیده است (طبری، ۱۴۱۲ق، ۲۸/۱۰۰؛ قمی، ۱۳۶۳ش، ۲/۳۷۵).

برپایه این سبب‌نزول‌ها، آنچه پیامبر (ص) بر خود حرام کرد یا نزدیکی با ماریه بود یا خوردن عسل. مضمون این دو گزارش درباره این‌که پیامبر (ص) چه رازی را به همسرش بیان کرد متفاوت است. از آن مهم‌تر، مشخص نیست عبارت «عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَن بَعْضٍ» به چه معناست و آن بخشی از راز را که پیامبر (ص) به همسرش بیان کرده چه بوده، و آن بخش که از آن اعراض نموده کدام بوده است.

برخی از مفسران به ابهام موجود در این عبارت اشاره کرده‌اند. برای نمونه، شوکانی با تصریح به وجود چنین ابهامی از اشتباهات و آراء سردرگم مفسران می‌گوید و بیان می‌دارد هر مفسری بر اساس سبب‌نزول‌های مختلف، درک متفاوتی از این عبارت باز نموده است؛ چنان‌که در آخر معلوم نمی‌شود بخشی که پیامبر (ص) بیان کرده‌اند «عَرَفَ بَعْضَهُ» کدام، و بخشی که ناگفته گذاشته‌اند

(أَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ) کدام بوده است (شوکانی، ۱۴۱۴ق، ۵/ ۲۹۸). نمونه دیگر از تصریح مفسران به ابهام عبارت را می‌توان در گفتار طباطبایی، مفسر معاصر شیعی، بازیافت (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ۳۳۸/۱۹).

یک شیوه برای رفع ابهام این آیات، بازخوانی قرائات مختلف سوره است. مفسران مسلمان گرچه اغلب در بحث از این سوره این اختلاف قرائات را یاد کرده‌اند، کم‌تر احساس نیاز نموده‌اند که برای فهم بهتر آیه از این قرائات بهره جویند. مطالعه کنونی برای بررسی احتمال دست‌یابی به خوانشی جدید از آیه برپایه میراث علم قرائت بنا شده است. می‌خواهیم در این مطالعه دریابیم: اولاً، تفسیر آیه با استناد به سبب‌نزول‌های مطرح‌شده با چه ابهاماتی روبه‌روست؛ ثانیاً، چه اندازه تفسیر آیه با اتکاء به این سبب‌نزول‌ها را می‌توان با قرائت مشهور و رایج از آیات هم‌خوان دانست؛ و ثالثاً، از میان دیگر قرائات آیه کدام‌یک را می‌توان بیش از قرائت مشهور با این سبب‌نزول‌ها منطبق دانست.

۱. نقش عبارت «عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ» در گزینش روایات سبب‌نزول

چنان‌که گفتیم، درک معنای «عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ» در آیه ۳ برای مفسران دشوار بوده است. مفسران بر مبنای این‌که چه سبب‌نزولی را برای آیات برگزیده باشند، این عبارت را متفاوت تفسیر کرده‌اند. با وجود آن‌که روایات تحریم عسل در مهم‌ترین جوامع حدیثی نیز جای گرفته است (برای نمونه، نک: بخاری، ۱۴۰۱ق، ۶/ ۱۹۴)، بیش‌تر مفسران حکایت تحریم ماریه را ترجیح داده، و آن را قول مشهور در قضیه دانسته‌اند (نک: آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۱۴/ ۳۴۲).

الف) علت اقبال مفسران به روایات تحریم ماریه

علاوه بر سند، محتوای روایت ماریه نیز مورد طعن و رد برخی از مفسران (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ۱۸۲/ ۸؛ نیز نک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ۲۴/ ۲۷۱) بوده است. با این حال، از آن‌جا که در بخش انتهایی برخی تحریرها از این روایت اشاره می‌شود که پیامبر اکرم (ص) زمامداری ابوبکر و عمر را پیش‌بینی کرده‌اند، می‌توان انتظار داشت عامه مسلمانان به آن روی خوش‌تری نشان دهند؛ امری که در عمل نیز روی داده است. در توضیح این معنا شایسته است نمونه‌ای از این قبیل تحریرها را مرور کنیم:

عن ابن عباس فى قوله وَإِذْ أَسْرَ اللَّيْبَى إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثاً قَالَ دَخَلَتْ حَفْصَةَ عَلَى النَّبِىِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِى بَيْتِهَا وَهُوَ يَطْأُ مَارِيَةَ فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَخْبِرِي عَائِشَةَ حَتَّى أَبْشُرَكَ بِبَشَارَةٍ فَإِنَّ أَبَاكَ يَلِى الْأَمْرَ بَعْدَ أَبِي بَكْرٍ إِذَا مِتُّ فَإِذَا مِتُّ فَذَهَبَتْ حَفْصَةَ فَأَخْبَرَتْ عَائِشَةَ (سيوطى، ۱۴۰۴ق، ۶/۲۴۱).

از ديگر سو، شکل‌گیری دوگانهٔ تحريم ماريه و زمامدارى ابوبکر و عمر در اين روايت فضاى را پديد آورده است تا مفسران بتوانند براى هر دو جزء عبارات «عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنِ بَعْضٍ» متناظرى بيانند؛ با اين تفصيل که بخش اول عبارت (عَرَفَ بَعْضَهُ) به موضوع تحريم ماريه اشاره دارد و بخش دوم (اعرض عن بعض) نیز، دربارهٔ زمامدارى ابوبکر و عمر است. به بيان ديگر، آن بخش از راز افشاء شده که پيامبر (ص) آگاهى خود از افشاء آن را نزد همسرش آشکار کرد، تحريم ماريه بود؛ آن بخش ديگر نیز که پيامبر (ص) هيچ به او نگفت از افشاء آن خبردار شده است، زمامدارى ابوبکر و عمر بود (مقاتل، ۱۴۲۳ق، ۴/۳۷۶؛ ابن ابى حاتم، ۱۴۱۹ق، ۱۰/۳۳۶۲؛ طبرانى، ۲۰۰۸م، ۶/۳۲؛ نیز نک: فخررازى، ۱۴۲۰ق، ۳۰/۵۶۹؛ ثعلبى، ۱۴۲۲ق، ۹/۳۴۵).

البته، برخى مفسران عامه نیز در تطبيق روايات سبب نزول تحريم ماريه بر عبارت «عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنِ بَعْضٍ» برعکس عمل نموده‌اند؛ به اين معنا که «عرف بعضه» را بر زمامدارى ابوبکر و عمر حمل کرده، و «اعرض عن بعض» را بر تحريم ماريه منطبق دانسته‌اند (برای نمونه، نک: ابن وهب، ۱۴۲۴ق، ۲/۴۲۰؛ نیز نک: زمخشرى، ۱۴۰۷ق، ۴/۵۶۵). خواه فقرهٔ نخست بر تحريم ماريه انطباق يابد يا فقرهٔ دوم، نکتهٔ مهم آن است که می‌توان بر پایهٔ اين روايت به درکى واضح‌تر و جزء‌نگران‌تر از آيه دست يافت؛ حال آن‌که در قياس با اين روايت، روايات تحريم شرب عسل پاسخی به اين تفصيل نمی‌تواند عرضه دارد و تصوير مبهم‌ترى از آيه به دست می‌دهد (برای تصريح به اين معنا، نک: طباطبايى، ۱۳۹۰ش، ۱۹/۳۳۷).

ب) راه‌یابی بشارت زمامدارى شیخین به تفاسیر شيعه

شهرت اين روايت به حدی بوده که حکايت نزول آيه در شأن ماريه، به تفاسير شيعى نیز راه يافته است. حتى مفسران شيعى بشارت زمامدارى ابوبکر و عمر را نیز هم‌چون يکى از اقوال در تفسير آيه مورد توجه قرار داده‌اند. برخى مفسران شيعه بدون هيچ توجيه يا ردی بر اين روايت کوشيده‌اند تحريه‌هاى مختلفش را نقل کنند. برای نمونه، طبرسى داستان نزول آيه دربارهٔ ماريه را به روايتى از عياشى مستند می‌کند و بدون هيچ نقد يا رديه‌ای از آن می‌گذرد (طبرسى، ۱۳۷۲ش،

۱۰ / ۴۷۲؛ برای دیگر نمونه‌ها، نک: شیخ طوسی، ۱۳۸۳ق، ۱۰ / ۴۶، کاشانی، بی‌تا، ۹ / ۳۳۲، امین اصفهانی، بی‌تا، ۱۳ / ۳۸۱؛ حویزی، ۱۴۱۵ق، ۵ / ۳۶۷).

همین رویکرد را در برخی از ترجمه‌ها و تفاسیر فارسی قرآن نیز می‌توان یافت. برای نمونه، الهی قمشه‌ای در ترجمه این آیه می‌نویسد:

وقتی پیغمبر با بعضی زنان خود (یعنی با حفصه راجع به ماریه یا راجع به ریاست ابو بکر و عمر) سخنی به راز گفت و آن زن (چون خیانت کرده و دیگری یعنی عائشه را) بر ستر پیغمبر آگه ساخت و خدا به رسولش خبر داد او بر آن زن برخی را اظهار کرد و به رویش آورد و برخی را پرده داری نمود و اظهار نکرد؛ چون او را از افشاء آن ستر آگه ساخت آن زن گفت: رسولاً، تو را که واقف ساخت که من ستر تو بر کسی فاش کرده‌ام. رسول گفت: مرا خدای دانای آگه خبر داد (الهی قمشه ای، ۱۳۸۰ش، ۵۶۰؛ برای دیگر نمونه‌ها، نک: آیتی، ۱۳۷۴ش، ۵۶۰؛ خسروی، ۱۳۹۰ش، ۱۸ / ۳۲۱).

کثرت نقل تحریرهای مختلف این گزارش در تفاسیر شیعی به حدی است که آلوسی از شیعیان طلب می‌کند به محتوای آن ملتزم باشند (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۱۴ / ۳۴۶). با این حال، سبب روشنی برای این اقبال شناخته نیست؛ خاصه با توجه به آن که محتوای برخی تحریرهای روایت کاملاً برخلاف اعتقادات شیعی است. در توضیح امر یک احتمال شاید همین تناظر اجزاء گزارش با عبارت «عَرَفَ بَعْضَهُ وَ أَعْرَضَ عَنِ بَعْضٍ» و انطباق‌یابی آن‌ها با همدیگر باشد. به عبارت دیگر، ابهام‌ها در تفسیر این عبارت موجب شده است مفسران شیعه نیز نتوانند این انطباق و تناظر اجزاء را نادیده بینگارند. به نظر می‌رسد این مفسران سخن منسوب به پیامبر اکرم (ص) درباره زمامداری ابوبکر و عمر را گزارشی از آنچه در آینده واقع می‌شود — نه بیان وضعیت مطلوب — تلقی کرده‌اند (برای تصریح به این معنا در اقوال عالمان شیعی متأخر، نک: عسکری، ۱۳۹۰ش، ۲۳ به بعد).

پ) هماهنگ سازی روایات با عقائد شیعی

برخی از مفسران شیعه نیز با پذیرش روایات داستان ماریه و تحریرهای حاوی بحث درباره زمامداری ابوبکر و عمر، تکمله‌ای برای داستان روایت کرده‌اند که آن را با عقائد شیعه هماهنگ می‌کند. برپایه تحریر ایشان از روایت، وقتی حفصه برخلاف عهد خود با پیامبر (ص) پیش‌بینی ایشان را به ابوبکر و عمر بازگفت، آن دو با هم‌دستی دختران خود که هم‌سران پیامبر (ص) بودند، تصمیم به اقداماتی برای تسریع در این روند گرفتند؛ اقداماتی که حتی مسمومیت و درگذشت

پیامبر اکرم (ص) نیز نتیجه آن بود (قمی، ۱۳۶۳ش، ۲/۳۷۶؛ نیز برای تکرار همین تحریر در تفاسیر متأخرتر، نک: حویزی، ۱۴۱۵ق، ۵/۳۶۷؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق، ۵/۴۱۹).

فیض کاشانی با پذیرش این تحریر روایت حتی فراتر نیز می‌رود و در تفسیر «عَرَفَ بَعْضَهُ وَ أَعْرَضَ عَن بَعْضٍ»، آن بخش از راز را که پیامبر (ص) آگاهی خود از افشاء آن را ابراز نداشت، دسیسه‌چینی برای قتل پیامبر (ص) می‌انگارد (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ۵/۱۹۴). گفتنی است که تحریر علی بن ابراهیم قمی و بازنوشته‌های متأخر از آن همگی روایاتی فاقد اسناد اند و معلوم نیست مسئولیت نقل محتوای آن‌ها با چه کسانی بوده است.

برخی مفسران شیعی نیز، تحریر دیگری از روایت را برگزیده‌اند؛ تحریری که در آن راز پنهان پیامبر اکرم (ص) ولایت علی (ع) بعد از ایشان شناسانده می‌شود. کهن‌ترین نقل این تحریر را می‌توان در لایه‌لای مباحث کلامی شیخ مفید (د ۴۱۳ق) بازیافت. وی بدون ذکر سندی برای روایت خود آن را هم‌چون سخنی منقول از امام صادق (ع) یاد کرده است (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ۷۷). همین دیدگاه در تفسیر *التبیین* تألیف شاگرد وی شیخ طوسی (د ۴۶۰ق) نیز دیده می‌شود؛ هم‌چنان بدون ذکر اسناد، شیخ طوسی پس از یادکرد دیدگاه مشهور عامهٔ مسلمانان، همین حکایت را با قید «رُوی» نقل می‌کند. او در ادامه با کاربست تعبیر «روی أصحابنا» همین رأی را نظری روایت‌شده در حلقه‌های شیعی می‌شناساند و البته هم‌چنان آگاهی خود از این گزارش را به منبعی مستند نمی‌کند (نک: شیخ طوسی، ۱۳۸۳ق، ۱۰/۴۷). همین تحریر را می‌توان در متون تفسیری متأخرتر شیعی نیز مشاهده کرد. برای نمونه، محمد بن حسن شیبانی — مفسر شیعی سدهٔ ۷ق — نیز همین معنا را با تعبیر «رُوی فی أخبارنا» گزارش، و در تأیید مضمون آن به روایاتی اشاره می‌کند که بدون اشاره به نزول آیه دربارهٔ ماریه، نص الهی بر امامت علی (ع) و غصب خلافت را راز پنهان پیامبر اکرم (ص) باز می‌نمایانند (شیبانی، ۱۴۱۳ق، ۵/۲۰۷).

هم از متن *تبیین* شیخ طوسی، هم از آنچه شیبانی در تفسیرش *نهج البیان* نقل کرده، پیدا است که هردو مفسر تأکیدی پنهان بر رفع ابهام از عبارت «عَرَفَ بَعْضَهُ وَ أَعْرَضَ عَن بَعْضٍ» دارند. برای این مفسران کارکرد تحریر یادشده و روایات هم‌سو با آن بیش از هر چیز حل معضل تفسیری عبارت مذکور بوده است. این‌دو، عبارت «أَعْرَضَ عَن بَعْضٍ» را به جانشینی علی (ع) تفسیر کرده‌اند. همین درک از آیه در برخی ترجمه‌های فارسی *قرآن* هم راه یافته است:

ای مؤمنان! یاد کنید (و فراموش مکنید) که پیامبر (ص) به یکی از زنان خود (حفصه دختر عمر) سخن محرمانه‌ای فرمود. ظاهراً حفصه درباره‌ی جانشین حضرت و نسب ابراهیم فرزند پیامبر (ص) سؤال کرده است و در جواب فرموده‌اند: ابراهیم در کودکی می‌میرد و علی (ع) به جانشینی منصوب می‌شود و سپرده‌اند که فعلاً راز افشاء نشود (بلاغی، ۱۳۸۶ق، ۷/ ۴۶).

ت) ابهامات باقی‌مانده با پذیرش این خوانش

به طبع نمی‌توان انتظار داشت که تلاش برای تطبیق سبب‌نزول آیات بر عقائد شیعی، آن‌هم با تکیه بر روایاتی نامستند، راه به جایی ببرد. بسیاری از مفسران شیعی متعرض این روایات نشده، و به این خوانش وقعی ننهاده‌اند. فراتر از مشکل اسناد، یک چالش مهم دیگر در پذیرش این روایات آن است که مشخص نیست چرا باید پیامبر (ص) درباره‌ی جانشینی علی (ع) حرفی به حفصه یا عائشه بزنند و دست‌مایه‌ای برای اختلاف و کینه فراهم کنند. این‌گونه، برخی مفسران شیعی با نظر به تضاد روایات تحریم ماریه با عقائد شیعه صرفاً روایات شرب عسل را پذیرفته‌اند.

با این حال، ایشان نیز نتوانسته‌اند برای حل معنای عبارت «عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَن بَعْضٍ» و این‌که هریک از دو جزء آن به چه رویدادی اشاره دارد راهکاری پذیرفتنی باز نمایند. برای اشاره به بقاء این ابهام در سنت تفسیری شیعیان می‌توان از یک نمونه متأخر هم چون تفسیر نمونه مثال آورد. مؤلفان این تفسیر درباره‌ی عبارت به یادکرد مجمل یک احتمال اکتفا کرده‌اند: شاید مراد از «عَرَفَ بَعْضَهُ» نوشیدن عسل، و مراد از «أَعْرَضَ عَن بَعْضٍ» هم تحریم عسل بر خویشتن است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ۲۴/ ۲۷۵). به طبع چنین احتمالاتی با شواهد و مستندات بیش‌تر نیز پشتیبانی نشده است.

این‌جاست که از مفسران معاصر شیعه، طباطبایی پس از یادکرد روایات متعدد نتیجه می‌گیرد این روایات با همه کثرت‌شان ابهامی را که در جمله «عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَن بَعْضٍ» دیده می‌شود برطرف نمی‌کنند (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ۱۹/ ۳۳۸). فراتر از این، طباطبایی اشکال مبنایی مهمی نیز بر این روایات وارد می‌کند؛ این‌که جانب هر گزاره از این روایات اگر گرفته شود ناسازگار با شأن و کرامت پیامبر (ص) است. نمی‌توان پذیرفت پیامبر اکرم (ص) یک مسئله خانوادگی مثل رابطه خود با ماریه را نزد دیگر زنان خود بازگویند یا آنچه درباره‌ی زمامداران پس از خود می‌دانند پنهان کنند. یک انسان بزرگوار همواره مسائل خانوادگی و ناموسی خود را پنهان می‌دارد و مسائل اجتماعی را در اطلاع همگان می‌گذارد؛ اما آنچه در این روایت‌ها دیده می‌شود

خلاف این منش است (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ۳۳۹/۱۹).

مشکل مهم دیگر از نگاه طباطبایی ضعف سندی روایات حاکی از این قول است. طباطبایی بعد از یادکرد اشکالات محتوایی یادشده بر بخش انتهایی روایات ماریه، به تلویح مجعول بودن این بخش را یادآور می‌شود. او می‌گوید سبب نزول آیه از قول عمر بن خطاب به چند طریق روایت شده، و در هیچ یک از این روایات سخنی از زمامداری ابوبکر و عمر بعد از پیامبر (ص) گفته نشده است (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ۳۳۹/۱۹؛ نیز، برای تحلیل اسانید این تحریر و تصریح به ضعف رجال آن، نک: تستری، ۱۴۲۵ق، ۱۲/۲۹۷).

۲. قرائت کسائی از آیه و ادله ترجیح آن

راه‌حل فهم و تفسیر این عبارت توجه به تنها قرائت متفاوتی است که از علی بن حمزه کسائی (د ۱۸۹ق)، بنیان‌گذار مکتب نحوی کوفه و هفتمین قاری از قراء سبعة (درباره وی، نک: ابوزرعه، ۱۹۷۹م، ۱۱/۲)، نقل شده است. به نظر می‌رسد این قرائت — هم از نظر سندی، هم از نظر معنایی و تطابق آن با آیه — بر قرائت رایج رجحان دارد. اختیار این قرائت ما را از تکلفات حاصل از روایات بشارت به زمامداری ابوبکر و عمر یا علی (ع) بی‌نیاز می‌کند.

الف) توضیح قرائت و معنای آیه برپایه آن

برپایه قرائتی که کسائی در آن متفرد است، «عرف» را باید به جای این‌که مشدد خوانده شود با تخفیف یعنی بدون تشدید خواند (نک: ابن مجاهد، ۱۴۰۰ق، ۶۴۰؛ ابوعمر و دانی، ۱۴۲۶ق، ۱۷۲). از میان مفسران مسلمان، یگانه مفسری که به تصریح موافقت خود را با قرائت کسائی ابراز می‌دارد خزرگی (د ۵۹۲ق) است (خزرگی، ۱۴۲۹ق، ۱/۳۹۷). دیگر مفسران به طبع قرائت مشهور را مینا قرار داده‌است. قرائت کسائی تقریباً در هیچ ترجمه فارسی نیز نمود نداشته، و البته این امر طبیعی است؛ چون مترجمان صرفاً قرائت مندرج در مصحف را ترجمه کرده‌اند. باین‌حال، شاید کم‌تر تفسیری بتوان یافت که به آن اشاره ندارد. سبب امر چیزی جز فایده این قرائت برای رفع ابهام از آیه نیست.

از میان مفسران شیعی، طبرسی با این‌که قرائت رایج را ترجیح می‌دهد و بر مبنای آن آیات را تفسیر می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۱۰/۴۷۴)، به قرائت باتخفیف نیز اشاره دارد. او از قول ابوعلی

جبائی، متکلم معتزلی (د ۳۰۳ق)، نقل می‌کند که یک معنای فعل «عَرَفَ» مکافات و مجازات است؛ پس «عَرَفَ بَعْضَهُ» یعنی پیغمبر (ص) همسرش را برای اقدامش در افشای راز مجازات کرد. طبرسی از قول ابوعلی جبائی می‌افزاید که عبارت نمی‌تواند معنایی غیر از این داشته باشد و جایز نیست «عَرَفَ» به معنای علم و دانستن گرفته شود (همان، ۴۶۹).

پیش از ابوعلی جبائی ظاهراً فراء (د ۲۰۷ق) نیز همین دیدگاه را درباره معنای «عرف» و هم در تفسیر آیه یادشده داشته است. او در توضیح این معنا به این اشاره می‌کند که گاه وقتی کسی در حق دیگری بدی می‌کند، او در پاسخ می‌گوید: «أَمَا وَاللَّهِ لَأَعْرِفَنَّ لَكَ ذَلِكَ»؛ به این معنا که روزی بابت این کار مجازاتت خواهم کرد (فراء، ۱۹۸۰م، ۳/ ۱۶۶؛ نیز نک: ازهری، ۱۴۲۱ق، ۲/ ۲۰۸؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق، ۱۲/ ۳۷۴). برپایه توضیحات بعدی فراء باید آیه را مطابق این قرائت چنین معنا کرد: پیامبر اکرم (ص) چون دانست همسرش راز وی را با دیگران بازگفته است، او را مجازات و تنبیه کرد و البته، به سبب اخلاق کریمانه، به مجازات یا تنبیهی اندک اکتفا نمود: «عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَن بَعْضٍ».

مفسران متعددی همین تفسیر از این قرائت را پذیرا شده، و «بعضه» را به معنای «بعضی از رفتار حفصه» گرفته‌اند (مکی، ۱۴۲۳ق، ۶۹۱؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۶ق، ۴/ ۴۷؛ سمین، ۱۴۱۴ق، ۶/ ۳۳۵؛ سیواسی، ۱۴۲۷ق، ۴/ ۲۲۷). در تفاسیر فارسی نیز بر همین معنا تأکید شده است. از جمله، ابوالفتوح رازی می‌نویسد: «پیامبر (ص) بر بهری عقوبت کرد و از بعضی عفو کرد و گفتند: رسول (ص) جزا داد حفصه را برای آن که طلاق داد...» (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ۱۹/ ۲۹۳؛ نیز نک: میبیدی، ۱۳۷۱ش، ۱۰/ ۱۵۸).

ب) کاربرد عرف به معنای مجازات در قرآن

در سخن از مؤیدات قرائت کسائی، نخست باید به خاطر داشت این‌که واژگان مرتبط با ریشه عرف و ریشه‌های مشابه آن مانند علم در معنای تهدید و مجازات به کار رود، در آیات دیگر و روایات نیز نمونه دارد. در کنار هم قرار گرفتن علم با اعراض در آیه «أُولَئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرَضَ عَنْهُمْ...» (نساء/ ۶۳) بیانگر آن است که در معنای علم نیز مولفه معنایی تهدید و مجازات وجود دارد. شماری از مفسران به این معنا اشاره کرده‌اند. برای نمونه، ابوحیان اندلسی در تفسیر آیه یادشده علم را تعبیری برای اشاره به مجازات می‌انگارد (ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ۳/ ۶۹۰؛

نیز نک: ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ۲/۷۳). در روایات نیز همین معنا برای مشتقات عرف دیده می‌شود (برای یادکرد نمونه‌ها، نک: جصاص، ۱۴۰۵ق، ۴/۲۳۵).

گاه در توضیح این که چه‌گونه ممکن است عرف یا علم دلالت بر مجازات و تهدید کنند گفته شده که این یک تعبیر کنایی است (نک: فراء، ۱۹۸۰م، ۳/۱۶۶؛ نیز نک: ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ۲۸/۳۱۸). در توضیح بیش‌تر این معنا گفته‌اند که اطلاق علم و عرف بر مجازات از نمونه‌های اطلاق سبب بر مسبب است (قونوی، ۱۴۲۲ق، ۱۹/۱۵۳). می‌توان در توضیح این معنا افزود وقتی کسی به دیگری می‌گوید «خواهی دانست چه کرده‌ای» و منظور آن است که بابت آن کار مجازاتی درانتظار آن کس است، درواقع مسبب عمل خود (آگاهی آن شخص در آینده از نتیجه کارش) را به جای سبب (مجازات) که نصیبش خواهد شد استعمال کرده است.

پ) هماهنگی بیش‌تر قرائت کسائی با روایات سبب‌نزول

برپایه قرائت رایج باید رازی که پیامبر (ص) با یکی از همسرانش در میان گذاشت از دو بخش متفاوت تشکیل شده باشد؛ یکی آن بخش که پیامبر (ص) آگاهی خود از آن را رویاروی همسرش ابراز داشت (عَرَفَ بَعْضَهُ)، و یکی هم آن بخش که پیامبر (ص) ترجیح داد فعلاً به همسرش بازنگوید که از افشاء آن آگاه شده است (اعرض عن بعض).

همین قرائت موجب شده است مفسران لازم بدانند اجزائی برای رویداد بیابند که با دوگانگی راز پیامبر (ص) هماهنگی داشته باشد. این‌گونه، یک بخش راز پیامبر اکرم (ص) را نزدیکی با ماریه یا خوردن عسل، و بخش دیگرش را هم زمامداری ابوبکر و عمر، قسم خوردن پیامبر (ص)، تحریم حلالی از حلال‌های الهی، یا زمامداری علی (ع) دانسته‌اند. از میان مفسران معاصر، صادقی تهرانی مخالفت خود را با چندبخش بودن داستان ابراز می‌دارد و بر همین پایه، انطباق شماری از فرضیه‌ها درباره معنای آیه را با عبارت «عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنِ بَعْضٍ» ممتنع می‌داند (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ۲۸/۴۳۲).

روایات سبب‌نزول، چنان‌که گفته شد، بیش‌تر به نظر می‌رسد بیانگر دعواهای فرقه‌ای متأخرتر باشند؛ چه، نمی‌توان پذیرفت پیامبر اکرم (ص) رازی تفرقه‌آفرین هم‌چون زمامدار بعدی را بدون هیچ فایده روشنی با همسر خویش مطرح کنند. اگر از این روایات بگذریم، در آیات قرآن و دیگر روایات نمی‌توان شاهدی حاکمی از دوپاره بودن راز پیامبر (ص) یافت. احتمالاً به همین دلیل است

که شماری از مفسران عبارت «عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَن بَعْضٍ» را به‌اجمال و بدون مشخص نمودن مصداق آن تفسیر کرده‌اند. برخی از ایشان گرچه به‌ظاهر قرائت کسائی را وانهاده‌اند، عملاً در فهم خود از آیه بدان التزام نشان داده‌اند (واحدی، ۱۴۱۵ق، ۲/ ۱۱۱۲؛ ماتریدی، ۱۴۲۶ق، ۱۰/ ۸۲؛ سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ۳/ ۴۶۷).

اگر بپذیریم «عَرَفَ» باید بدون تشدید خوانده شود و به مجازات کردن اشاره داشته باشد، دیگر لازم نخواهد آمد برای راز پیامبر (ص) دو بخش مختلف در نظر بگیریم؛ بلکه منظور آن خواهد بود که پیامبر (ص) همسرش را تا حدودی مجازات و تهدید کرد (عَرَفَ بَعْضَهُ)؛ اما در مجازات او تخفیف داد و از برخورد بیش‌تر با او درگذشت (اعرض عن بعض).

از سویی دیگر، این‌که پیامبر (ص) آگاهی خود از یک بخش راز افشاشده خود را به همسرش بازگو کند و آگاهی‌اش از دیگر اسرار افشاشده را ابراز ندارد با سیاق آیات هم‌خوان نیست؛ زیرا در ادامه این بخش از آیه عبارت به گونه‌ای نیامده است که خبر از آگاهی پیامبر (ص) از بخشی از راز افشاشده بدهد. مثلاً، این‌گونه تعبیر نمی‌کند که: «فلما نبأها ببعضها قالت من انبأك هذا»؛ به این معنا که زمانی که پیامبر (ص) برخی از راز افشاشده را به او بیان کرد، آن زن گفت: چه کسی تو را آگاه کرده است؟ به‌عکس، تعبیر آیه چنین است: «فلما نبأها به قالت من انبأك هذا». در واقع دو مرتبه ضمیر را به تمام آن راز افشاشده باز می‌گرداند. به عبارت دیگر، ادامه این بخش از آیه و سیاق آن موید قرائت مشهور نیست؛ به‌ویژه آن‌که آن زن بی‌درنگ متوجه می‌شود که خداوند، پیامبر (ص) را از افشای رازش با خبر کرده است (قال نبأني العليم الخبير). در نتیجه، طبیعی است که آن همسر متوجه شود پیامبر (ص) از افشای تمام راز آگاه است. این برداشت او با تأکید پیامبر (ص) بر صفت علیم و خبیر بودن خداوند پررنگ‌تر جلوه می‌کند. این نیز، که پیامبر (ص) بخشی از راز افشاشده را بیان نکنند، با تأکید بر احاطه علم خداوند هم‌خوان نیست.

ت) هماهنگی بیش‌تر قرائت کسائی با سیاق

در آیه ۵ همین سوره همسران پیامبر (ص) به طلاق تهدید می‌شوند: «عَسَى رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَنَّ أَنْ يَبْدِلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكَ مَسْلِمَاتٍ مُؤْمِنَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا». در روایات تاریخی هم سخن از آن رفته است که پیامبر (ص) برای مجازات و تهدید حفصه، تصمیم بر طلاق او گرفت؛ ولی آن را محقق نکرد (بغوی، ۱۴۲۰ق، ۵/ ۱۱۸؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ۹/ ۳۴۵). این

حقیقت نیز با تفسیر مبتنی بر قرائت کسائی سازگارتر است. توضیح این‌که برپایه قرائت مشهور، پیامبر (ص) از یک سو برای مراعات حال همسر خود یا هر مصلحت دیگری آگاهی خود از راز افشاشده همسرشان را ابراز نمی‌دارند؛ اما در عین حال او را تهدید به طلاق می‌کنند. این امر به نظر غریب نامحتمل می‌نماید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ۲۴/ ۲۷۵).

تهدیدات متعددی در این سوره برای دو همسر پیامبر مطرح شده است؛ از پشتیبانی خدا از پیامبر (ص) با ملائکه و مؤمنان صالح گرفته، تا جایگزینی آن دو همسر با همسرانی مؤمن و عابد، تا وعده آتش و جهنم، تا مثال زدن بر همسران نوح و لوط (نکا: تحريم/ ۴-۱۰). این‌ها همه نشان می‌دهند احتمال وقوع رویداد مهمی در پشت پرده اقدامات این دو زن پس از افشای راز پیامبر (ص) وجود داشته است. در یک چنین فضایی نامحتمل و حتی ناسازگار با سیاق متن به نظر می‌رسد که اصل مسئله در حدی بوده باشد که پیامبر (ص) بتوانند برای مراعات حال همسر خود حتی برخی از راز افشا شده را بازگو نکنند. نمی‌شود از یک سو چنین مراعاتی صورت گیرد و از دیگر سو، چنین تهدیداتی در قرآن از جانب خداوند مطرح شود. این مراعات پیامبر (ص) نمی‌تواند از منطق و توجیه اخلاقی خاصی نیز پیروی کند؛ زیرا با توجه به این‌که همسر پیامبر (ص) از اقدامات خود برای افشای راز پیامبر (ص) باخبر است، و هم‌چنین با خبر شده که خداوند تمام آن را برای پیامبرش بیان کرده است، این‌که به گونه‌ای وانمود شود که او تنها بخشی از راز را افشا کرده است، نمی‌تواند توجیهی داشته باشد.

از آن سو، هرگاه قرائت کسائی و تفسیر مبتنی بر آن را پذیرا شویم، هیچ معنی ندارد که پیامبر (ص) برای مجازات حفصه اقدام، اما از مجازات کامل او اعراض نماید. ظاهراً همین هماهنگی قرائت کسائی با سیاق سبب شده است برخی عالمان نحو تنها همین قرائت را صحیح بدانند (برای یادکرد آراء ایشان، نک: طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ۱۰/ ۴۶۹؛ نیز نک: قونوی، ۱۴۲۲ ق، ۱۹/ ۱۵۴).

۳. شواهد اعتبار قرائت کسائی از این آیه در سده‌های متقدم

چنان‌که پیش‌تر یاد شد، این قرائت فقط از یکی از قراء سبعة یعنی کسائی روایت شده، و ابن مجاهد نیز آن را هم‌چون هفتمین قرائت از قرانات سبع بازشناسانده است. رواج گسترده قرائت حفص از عاصم در سده‌های اخیر موجب شده است جایگاه شخصیتی هم‌چون کسائی و اهمیتی که

قرائت او در سده‌های متقدم داشته است به فراموشی سپرده شود. براین پایه، لازم است جایگاه قرائت کسائی را بازساخت.

الف) شهرت عمومی قرائت کسائی از این آیه در کوفه

در روایات شیعی از امام صادق (ع) نقل شده که مردم را به خواندن قرآن بر طبق همان قرائت رایج در میان عموم امر کردند: «اقرؤا کما یقرء الناس» (کلینی، ۱۴۰۱ق، ۲/۶۳۳). هرگاه توجه شود که راویان این حدیث کوفی بوده‌اند (شیخ طوسی، ۱۴۲۸ق، ۲۱۷)، احتمالاً بدان معناست که پاسخ امام در برابر پرسشی داده شد که در محیط کوفه مطرح بود. امام صادق (ع) البته خود نیز مدتی در کوفه به سر برده‌اند و در آن دوران عالمانی هم از ایشان در قرائت استفاده کرده‌اند (نک: حازم سلیمان، ۱۴۰۸ق، ۸۳۱). حتی اگر این پرسش در دورانی صورت گرفته باشد که امام صادق (ع) خود در کوفه حضور نداشته‌اند، کم‌تر می‌توان تردید کرد که این پاسخ با نظر به قرائت رایج در محیط کوفه بیان شده است.

هرگاه به خاطر داشته باشیم در محیط کوفه عصر امام صادق (ع) چه قرائتی رواج داشت، پیوند این بحث با قرائت کسائی در این آیه را بهتر در خواهیم یافت. چنان‌که ابن مجاهد بیان داشته است، از بعد وفات عاصم بن ابی‌النجود (د ۱۲۷ق) همگان در این شهر تنها از طریق ابوبکر شعبه بن عیاش بر قرائت عاصم اعتماد داشتند (ابن مجاهد، ۱۴۰۰ق، ۷۱). پس محتمل است منظور امام صادق (ع) همین قرائت شعبه باشد (قس: فاکر میبیدی، ۱۳۹۵ش، ۲۹). قرائت شعبه تا سده‌ها هم‌چنان در کوفه رواج داشت. گفته‌اند از میان راویان مختلف قرائت عاصم بن ابی‌النجود کسی هم‌پایه شعبه نبوده است (برای تفصیل بحث، نک: عابدی، ۱۳۹۴ش، سرتاسر مقاله).

از میان شاگردان مختلف شعبه بن عیاش، کسائی در زمره کسانی است که آشکارا گرایش‌های شیعی دارد و پیوندهای فکری و قرابت‌های او با شیعیان بسیار است (نک: صدر، ۱۳۷۵ق، ۳۴۷). گاه امام صادق (ع) یا دیگر شخصیت‌های مشهور به تشیع را از جمله استادان او بر شمرده‌اند (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ۱۱؛ امین، ۱۴۲۰ق، ۱/۱۳۱). ابن حجر عسقلانی می‌گوید کسائی قرآن را بر استادانی همچون شعبه بن عیاش، حمزه بن حبیب زیات - مشهور بن حمزه کوفی، محمد بن عبدالرحمان بن ابی لیلی، سلیمان بن ارقم، جعفر صادق (ع)، و ابان بن تغلب قرائت کرد (ابن حجر، ۱۴۰۴ق، ۸/۳۱۳).

می‌دانیم قرائت کسائی برپایه قرائت استادانش عاصم بن ابی‌النجود و حمزه کوفی بنا شد. نیز، می‌دانیم در عین حال وی در مواردی با قرائت آن دو مخالفت کرده است (برای نمونه: طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۱۰/۴۶۹) با این وجود شواهدی حاکی است که در این موارد هم‌گزینش وی از میان قرائات به‌گونه‌ای مستند به قرائت اهل بیت (ع) شده است. ابن ندیم معتقد است آن قسمت از قرائت کسائی که مخالف با قرائت حمزه بود، مطابق قرائت ابن ابی‌لیلی (د ۱۵۰ق) است که او نیز قرآن را بر علی (ع) خوانده بود (نک: ابن ندیم، ۱۳۵۰ق، ۳۲). از دیگر سو، حمزه کوفی — که خود یکی دیگر از قاریان قرائات هفت‌گانه است — قرائتش را به امام صادق (ع) عرضه کرده بود و تنها در هشت حرف با قرائت امام صادق (ع) تفاوت داشت (ابن جزری، ۱۹۱۶م، ۱/۱۹۶۱؛ سخاوی، ۱۴۱۳ق، ۲/۴۷۲۱). از مجموع این شواهد می‌توان دریافت قرائتی که کسائی مبنای خود قرار داده بود به خوانش منقول از اهل بیت (ع) و امامانی هم‌چون علی (ع) نزدیکی داشت.

براین پایه، قرائت کسائی بسیار به قرائت رایج در کوفه نزدیک بوده، و تأکید شخصیتی هم‌چون امام صادق (ع) بر این که قرآن را هم‌چون مردم کوفه بخوانند، تا حدود زیادی ناظر به خوانشی بسیار نزدیک به قرائت کسائی بوده است. براین پایه، گرچه رواج گسترده قرائت حفص از عاصم در دوران کنونی سبب شده است قرائات دیگر قرآن کریم در دوران معاصر خوانش‌هایی کم‌شناخته به‌شمار آیند، نباید گمان برد که در گذشته از اعتبار گسترده‌ای برخوردار بوده‌اند.

ب) پیوند قرائت کسائی از آیه ۳ سوره تحریم با علی (ع)

شخصیت دیگری که این قرائت را برگزیده، شعبه بن عیاش یکی از راویان عاصم است. می‌دانیم وی در مواردی از قرائت عاصم عدول کرده است. یکی از نمونه‌های این عدول را در همین عبارت «عرف بعضه و اعرض عن بعض» از آیه ۳ سوره تحریم می‌توان دید. طبرسی به این معنا تصریح دارد: «و اختار التخفيف أبو بكر بن عياش؛ وهو من الحروف العشر التي قال إني أدخلتها في قراءة عاصم من قراءة علي بن أبي طالب (ع) حتى استخلصت قراءته يعني قراءة علي (ع)» (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۱۰/۴۶۹). از متن طبرسی برداشت می‌شود که ابوبکر بن عیاش در این قرائت با استادش عاصم مخالفت کرده، و این قرائت یکی از ده موردی است که در قرائت عاصم وارد کرده تا بدین‌گونه قرائتی خالص از امام علی (ع) را اختیار کرده باشد. به عبارت دیگر طبق متن مجمع‌البیان این قرائت به گفته خود ابوبکر بن عیاش به امام علی (ع) منتسب است.

شعبه را مردی عابد و ناسک که بر نماز و روزه و تلاوت قرآن مداومت داشت، وصف کرده‌اند (ابن سعد، ۱۳۲۵ق، ۶/ ۳۶۹). برقی او را در شمار اصحاب امام جعفر صادق (ع) ذکر کرده (برقی، ۱۳۸۳ق، ۴۳) و در روایات آمده که وی با فقه اهل بیت (ع) آشنا بوده است (کلینی، ۱۴۰۱ق، ۵/ ۱۷۳). گاه نیز در منابع شیعی به ارادت شدید او به علی (ع) اشاره شده است (ابن شهر آشوب، بی تا، ۳/ ۱۳۸). از نظر اعتبار روایات، یحیی بن معین او را با وصف «صدوق» می‌ستاید (یحیی بن معین، ۱۴۰۵، ۱/ ۶۹). عالمان متأخرتر هم‌چون عجللی و ابن حبان هم وی را توثیق کرده‌اند (عجللی، ۱۴۰۵، ۴۹۲؛ ابن حبان، ۱۳۹۵ق، ۷/ ۶۶۸).

بی تردید شهرت اصلی شعبه در روایت کردن قرائت عاصم است. با وجود ویژگی‌های خاص شخصیتی شعبه همیشه مقایسه‌ای بین دو روایت قرائت عاصم، یعنی قرائت حفص از عاصم و شعبه از عاصم وجود داشته است. برخی مانند ابن مجاهد (ابن مجاهد، ۱۴۰۰ق، ۷۱) قرائت شعبه را بر حفص ترجیح داده‌اند (نیز نک: ابن حجر، ۱۴۰۴ق، ۱۲/ ۳۶) و البته برخی نیز هم‌چون شاطبی (د ۵۹۰ق) حفص را از جهت اتقان برتر می‌دانند (شاطبی، ۲۰۰۱م، بیت ۳۶).

حتی اگر آراء این منتقدان کهن را با صرف نظر از مطالعه انتقادی معیارهای ایشان پذیرا شویم، تنها بدان معنا خواهد بود که کلیت روایت حفص بر قرائت شعبه رجحان دارد. وانگهی، در جایی که شعبه خود تصریح می‌کند که در آیه ۳ سوره تحریم با استادش مخالفت ورزیده است تا بتواند قرائتی هرچه نزدیک‌تر به قرائت علی (ع) عرضه دارد، به نظر می‌رسد بتوان قرائت وی از این آیه را درخور توجه بیش‌تر دانست.

پ) همراهی ابو عبدالرحمان سلمی با قرائت کسائی در آیه

دیگر نکته شایان توجه در همین باره، پیوند قرائت کسائی در این آیه با ابوعبدالرحمان سلمی است؛ عالمی از نسل اول تابعین که به اخذ قرائت از علی (ع) و تعصب فراوان بر این قرائت مشهور است. روایت او از این قرائت به گونه‌ای است که اهمیت این قرائت را در تاریخ قرائات نشان می‌دهد. فراء با ذکر سند خود آن را این‌گونه حکایت می‌کند: «عطاء عن أبي عبد الرحمن السلمی قال: کان إذا قرأ علیه الرجل: عرف بعضه — بالثدید — حصبه بالحصباء» (فراء، ۱۹۸۰، ۳/ ۱۶۶)؛ یعنی نه تنها ابوعبدالرحمان سلمی قرائت مشهور را قبول نداشت؛ بلکه هر کسی را نیز که آیه را بر اساس قرائت مشهور و با تشدید می‌خواند با سنگریزه می‌زد.

ابوعبدالرحمان سلمی مشهورترین معلّم قرائت قرآن در عصر تابعین بود. او در انتقال قرائت علی (ع) به قاریان کوفی هم‌چون عاصم بن ابی‌النجد تأثیر بسزایی داشت. در اواخر دوران خلافت عثمان، بعد از درگذشت ابن مسعود (د ۳۲ق) ابوعبدالرحمان سلمی مأمور قرائت بر کوفیان شد. گفته‌اند اولین کسی که در کوفه قرائتی را که عثمان مردم را بر آن جمع کرده بود اِقرأ کرد، ابوعبدالرحمان سلمی بود. وی خود را به تعلیم قرآن ملزم ساخت و چهل سال در مسجد بزرگ کوفه به این امر پرداخت (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ۱۳/۳۳۹؛ ابن مجاهد، ۱۴۰۰ق، ۶۷).

درباره این که ابو عبدالرحمان قرائت را از چه کسی فرا گرفته است، گزارش‌های مختلفی وجود دارد. در برخی گزارش‌ها آمده که وی قرآن را از امام علی (ع)، زید بن ثابت، عثمان بن عفان، ابی بن کعب و ابن مسعود تعلیم گرفته است (ذهبی، ۱۳۷۴ق، ۱/۵۸). در روایاتی که عاصم بن ابی‌النجد از ابوعبدالرحمان سلمی نقل کرده، آمده است: «قرائت را از علی (ع) فراگرفتم» (ابن سعد، ۱۳۲۵ق، ۶/۲۱۲). هم‌چنین، از ابوعبدالرحمان سلمی نقل شده که هیچ‌کس را در قرائت برتر از علی بن ابی‌طالب (ع) ندیده است (باقلائی، ۱۴۲۲ق، ۱/۱۹۳). گزارش‌هایی حاکی از پیوند نزدیک وی با خانواده اهل بیت (ع) و اعتماد آن حضرت به وی اند. برای نمونه، گفته‌اند ابوعبدالرحمان سلمی قرآن را بر امام حسن (ع) و امام حسین (ع) اِقرأ کرده است (ابن مجاهد، ۱۴۰۰ق، ۶۸)؛ هم‌چنان که گاه وی را معلم برخی فرزندان امام حسین (ع) شناسانده‌اند (نک: ابن شهر آشوب، بی‌تا، ۴/۶۶).

ابوعبدالرحمان سلمی در جایگاه راوی حدیث نیز شخصیتی معتبر و قابل‌اعتماد بود؛ آن‌سان که وی را افزون بر اعتبار قرائتش برای ورع در نهان و آشکار و صحت ضبط حدیث و وثاقتش هم ستوده‌اند (عجلی، ۱۴۰۵ق، ۲/۲۶؛ ابن حبان، ۱۳۹۵ق، ۱/۱۶۴؛ نیز نک: برقی، ۱۳۸۳ق، ۴). باری، تعصب ابوعبدالرحمان سلمی بر این آیه چه‌بسا نتیجه اعتقاد وی به اعتبار قرائتش بود. شماری از شخصیت‌های برجسته در نسل دوم تابعین هم‌چون حسن بصری، قتادة بن دعامة، و طلحة بن مُصرّف نیز به قرائت وی اقبال، و بر اهمیت آن تأکید نموده‌اند (قرطبی، ۱۳۶۴ش، ۱۸/۱۸۷)؛ امری که باز نشان‌دهنده رواج قرائت وی در سده‌های متقدم است.

نتیجه

گفتیم تفسیر و فهم دقیق آیات نخست سوره تحریم همواره مورد بحث مفسران شیعه و اهل سنت بوده، تعدد روایات اسباب نزولی که ذیل این آیات وارد شده، بر این بحث دامن زده، و ارتباط برخی از این روایات با مباحث اعتقادی و زمامداری بعد از پیامبر (ص) نیز حساسیت بیش‌تری به این بحث داده است. چنان‌که دیدیم، ابهام اصلی در این آیات مربوط به عبارت «عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ» است که بنا بر قرائت رایج به صورت مشدد خوانده شده و به چند پاره بودن راز و سر پیامبر (ص) اشاره دارد. مفسران عامه مسلمانان بر اساس برخی از روایات سبب‌نزول، عموماً آن را به بشارت زمامداری ابوبکر و عمر مرتبط دانسته‌اند و این موضوع بدون دلیل منطقی، به برخی تفاسیر مهم شیعه نیز راه یافته است. دیگر مفسران شیعی نیز که این روایات را نپذیرفته‌اند، نتوانسته‌اند تفسیری پذیرفتنی از این عبارت ارائه دهند و ابهام آن را برطرف نمایند.

کوشیدیم از این دفاع کنیم که هفتمین قرائت از قرائات سبعة راه گشای فهم و تفسیر آیه است؛ همان قرائت که به طریق کسائی و به وساطت شعبه بن عیاش از عبدالرحمان سلمی روایت شده است. در این قرائت «عرف» در عبارت «عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ» بدون تشدید قرائت شده، و به معنای مجازات و تهدید است. با پذیرش این قرائت، منظور آیه این خواهد بود که پیامبر (ص) گذشت و بخشش خود را در مجازات و تهدید آن زن باز نمودند؛ مجازاتی که بر مبنای برخی از گزارش‌های تاریخی تصمیم بر طلاق دادن آن زن بود. کوشیدیم برپایه شواهدی از این دفاع کنیم که ادعای شعبه بن عیاش — که این قرائت همان قرائت علی (ع) است — همراه با وجود ابوعبدالرحمان سلمی در سلسله اسناد قرائت می‌تواند احتمال انتساب این قرائت به بزرگان مکتب اهل بیت (ع) — خاصه علی (ع) — را تقویت کند. هرگاه این فرضیه با شواهد بیش‌تری تأیید شود، مجالی برای پذیرش آن دسته از روایات سبب‌نزول آیه نخواهد بود که می‌گویند پیامبر اکرم (ص) به همسر خود سخنی درباره جانشینی ابوبکر و عمر یا علی (ع) فرموده‌اند؛ روایاتی که به نظر می‌رسد بیش از آن که بازتاباننده رویداد تاریخی باشند، حکایتگر اختلافات مذهبی متأخرتر اند.

منابع

- قرآن کریم، متن عربی؛ نیز، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، سروش، ۱۳۷۴ش؛ نیز، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، بازنشر قم، فاطمه الزهراء، ۱۳۸۰ش؛ نیز:
- ۱- ابن ابی حاتم، عبدالرحمان بن محمد (۱۴۱۹ق)، *تفسیر القرآن العظیم* ریاض، مکتبه نزار مصطفی باز.
 - ۲- ابن جزری، محمد بن محمد (۱۹۶۰م)، *مخایة النهاية*، قاهره، مکتبه الخانجی.
 - ۳- ابن حبان، محمد (۱۳۹۵ق)، *الثقات*، حیدرآباد دکن، مؤسسه الکتب الثقافیه.
 - ۴- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۰۴ق)، *تهذیب التهذیب*، بیروت، دارالفکر.
 - ۵- ابن سعد، محمد (۱۳۲۵ق)، *الطبقات*، به کوشش ادوارد خازاو و دیگران، لایدن، بریل.
 - ۶- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (بی تا)، *المناقب*، قم، چاپخانه علمیه.
 - ۷- ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق)، *التحریر و التنویر*، بیروت، مؤسسه التاريخ العربی.
 - ۸- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ق)، *المحرر الوجیز*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
 - ۹- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق)، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
 - ۱۰- ابن مجاهد، احمد بن موسی (۱۴۰۰ق)، *السبعة*، به کوشش شوقی ضیف، قاهره، دارالمعارف.
 - ۱۱- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر.
 - ۱۲- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۵۰ش)، *الفهرست*، به کوشش رضا تجدد، تهران، مروی.
 - ۱۳- ابن وهب، عبدالله بن محمد (۱۴۲۴ق)، *التفسیر*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
 - ۱۴- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق)، *روض الجنان*، به کوشش حسین یاحقی و دیگران، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
 - ۱۵- ابوحیان، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق)، *البحر المحیط*، بیروت، دارالفکر.
 - ۱۶- ابوزرعه، عبدالرحمان بن محمد (۱۹۷۹م)، *حجة القراءات*، به کوشش سعید افغانی، بیروت، مؤسسه الرسالة.
 - ۱۷- ابوعمرودانی، عثمان بن سعید (۱۴۲۶ق)، *التیسیر*، بیروت، دارالکتب العلمیه.

- ١٨- ازهرى، محمد بن احمد (١٤٢١ق)، *تهذيب اللغة*، بيروت، دار احياء التراث العربى.
- ١٩- امين اصفهانى، نصرت بيگم (بى تا)، *مخزن العرفان*، اصفهان، بى نا.
- ٢٠- امين، محسن (١٤٢٠ق)، *ايعان الشيعه*، بيروت، دارالتعارف.
- ٢١- آلوسى، محمود بن عبدالله (١٤١٥ق)، *روح المعانى*، بيروت، دارالكتب العلمية.
- ٢٢- باقلانى، محمد بن طيب (١٤٢٢ق)، *الانتصار للقرآن*، بيروت، دار ابن حزم.
- ٢٣- بحراني، هاشم بن سليمان (١٤١٥ق)، *البرهان*، قم، بعثت.
- ٢٤- بخارى، محمد بن اسماعيل (١٤٠١ق)، *الصحيح*، بيروت، دارالفكر.
- ٢٥- برقى، احمد بن محمد (١٣٨٣ق)، *الرجال*، تهران، دانشگاه تهران.
- ٢٦- بغوى، حسين بن مسعود (١٤٢٠ق)، *التفسير*، بيروت، دار احياء التراث العربى.
- ٢٧- بلاذرى، احمد بن يحيى (١٤١٧ق)، *انساب الاشراف*، به كوشش سهيل زكار و رياض زرکلى، بيروت، دارالفكر.
- ٢٨- بلاغى، عبدالحجه (١٣٨٦ق)، *حجة التفاسير*، قم، چاپخانه حكمت.
- ٢٩- تسترى، محمدتقى (١٤٢٥ق)، *قاموس الرجال*، قم، جامعه مدرسین.
- ٣٠- ثعلبى، احمد بن محمد (١٤٢٢ق)، *الكشف والبيان*، بيروت، دار إحياء التراث العربى.
- ٣١- جصاص، احمد بن على (١٤٠٥ق)، *احكام القرآن*، بيروت، دار احياء التراث العربى.
- ٣٢- حازم سليمان (١٤٠٨ق)، *الكوفيون والقرائات*، كوفه، جامعه الكوفة.
- ٣٣- حويزى، عبدعلى بن جمعه (١٤١٥ق)، *نور الثقلين*، قم، اسماعيليان.
- ٣٤- خزرجى، احمد بن عبدالصمد (١٤٢٩ق)، *التفسير*، بيروت، دارالكتب العلمية.
- ٣٥- خسروانى، على رضا (١٣٩٠ق)، *تفسير خسروى*، تهران، اسلاميه.
- ٣٦- ذهبى، محمد بن احمد (١٣٧٤ق)، *تذكرة الحفاظ*، مكه، مكتبة الحرم.
- ٣٧- زبيدى، محمد بن مرتضى (١٤١٤ق)، *تاج العروس*، بيروت، دارالفكر.
- ٣٨- زمخشرى، محمود بن عمر (١٤٠٧ق)، *الكشاف*، بيروت، دارالكتاب العربى.
- ٣٩- سخاوى، على بن محمد (١٤١٣ق)، *جمال القراء*، بيروت، دارالبلاغة.
- ٤٠- سمرقندى، نصر بن محمد (١٤١٦ق)، *التفسير*، بيروت، دارالفكر.
- ٤١- سمين، احمد بن يوسف (١٤١٤ق)، *الدر المصون*، بيروت، دارالكتب العلمية.

- ۴۲- سیواسی، احمد بن محمود (۱۴۲۷ق)، *عیون التنفاسیر*، بیروت، دار صادر.
- ۴۳- سیوطی، عبدالرحمان بن ابی‌بکر (۱۴۰۴ق)، *الدر المنثور*، بازنشر قم، کتاب‌خانه مرعشی.
- ۴۴- شاطبی، قاسم بن فیره (۲۰۰۱م)، *حوز الامانی*، قاهره، مکتبه الازهر.
- ۴۵- شوکانی، محمد بن علی (۱۴۱۴ق)، *فتح القدير*، دمشق، دار ابن کثیر.
- ۴۶- شیبانی، محمد بن حسن (۱۴۱۳ق)، *نهج البیان*، قم، الهادی.
- ۴۷- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۸ق)، *الرجال*، قم، جامعه مدرسین.
- ۴۸- _____ (۱۳۸۳ق)، *التبیان*، به کوشش احمد حبیب قصیر عاملی، نجف، دار احیاء التراث.
- ۴۹- شیخ مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، *المسائل العکبریة*، قم، کنگره هزاره شیخ مفید.
- ۵۰- صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ق)، *الفرقان*، قم، فرهنگ اسلامی.
- ۵۱- صدر، حسن (۱۳۷۵ش)، *تأسیس الشیعة لعلوم الاسلام*، قم، اعلمی.
- ۵۲- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق)، *المیزان*، بیروت، اعلمی.
- ۵۳- طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸م)، *التفسیر*، به کوشش هشام بن عبدالکریم بدرانی، اربد، دارالکتاب الثقافی.
- ۵۴- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان*، تهران، ناصر خسرو.
- ۵۵- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان*، بیروت، دارالمعرفة.
- ۵۶- عابدی، احمد و ترابی، داوود (۱۳۹۴ش)، «جایگاه روایت شعبة از عاصم از نظر مفسرین امامیه»، *مطالعات قرائت قرآن*، شماره ۴.
- ۵۷- عجلی، احمد بن عبدالله (۱۴۰۵ق)، *تاریخ الثقات*، به کوشش عبدالمعطی امین قلجعی، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ۵۸- عسکری، مرتضی (۱۳۹۰ش)، *سقیفه*، تهران، انتشارات علامه عسکری.
- ۵۹- فاکر میبدی، محمد و رحیمی، سعید (۱۳۹۵ش)، «بررسی تحلیلی - تاریخی روایت قرائت ناس»، *مطالعات قرائت قرآن*، شماره ۷.
- ۶۰- فخررازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

- ٦١- فراء، یحیی بن زیاد (١٩٨٠م)، *معانی القرآن*، قاهره، الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- ٦٢- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (١٤١٦ق)، *بصائر ذوی التمییز*، قاهره، المجلس الاعلی للشئون الاسلامية.
- ٦٣- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (١٤١٥ق)، *الصابی*، تهران چاپخانه صدر.
- ٦٤- قرطبی، محمد بن احمد (١٣٦٤ش)، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- ٦٥- قمی، علی بن ابراهیم (١٣٦٣ش)، *التفسیر*، قم، دارالکتاب.
- ٦٦- قونوی، اسماعیل بن محمد (١٤٢٢ق)، *الحاشیة علی تفسیر البیضاوی*، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ٦٧- کلینی، محمد بن یعقوب (١٤٠١ق)، *الکافی*، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی.
- ٦٨- کاشانی، فتح الله بن شکرالله (بی تا)، *منهج الصادقین*، تهران، اسلامیه.
- ٦٩- ماتریدی، محمد بن محمد (١٤٢٦ق)، *تأویلات أهل السنة*، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ٧٠- مقاتل بن سلیمان (١٤٢٣ق)، *التفسیر*، به کوشش احمد فرید، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- ٧١- مکارم شیرازی، ناصر (١٣٧١ش)، *تفسیر نمونه*، تهران، اسلامیه.
- ٧٢- مکی بن ابی طالب قیسی (١٤٢٣ق)، *مشکل اعراب القرآن*، بیروت، دارالیمامة.
- ٧٣- میبدی، احمد بن محمد (١٣٧١ش)، *کشف الاسرار و عدة الابرار*، تهران، امیرکبیر.
- ٧٤- نجاشی، احمد بن علی (١٤١٦ق)، *الرجال*، به کوشش موسی شبیری زنجانی، قم، جامعه مدرسین.
- ٧٥- واحدی، علی بن احمد (١٤١٥ق)، *الوجیز*، بیروت، دارالقلم.
- ٧٦- یحیی بن معین (١٤٠٥ق)، *معرفة الرجال*، به کوشش محمد کامل قصار و محمد مطیع حافظ، دمشق، مجمع اللغة العربية.